

از فیلم مستند تا نقد مستند

نحوه روزگار نقد سینمای مستند ایران

طیبه کاظمی



سرشناسه: ارواحی، علیرضا، ۱۳۶۱ - | عنوان و نام پدیدآور: از
فیلم مستند تا نقد مستند/ علیرضا ارواحی. | مشخصات نشر: تهران:
شورآفرین، ۱۳۹۷. | مشخصات ظاهری: ۸۸ ص. | فروست:
کلوزآپ ۹/ دبیران: سعیده طاهری و بابک کریمی؛ | شابک:
۶-۲۲-۸۸۲۲-۶۰-۹۷۸ | وضعیت فهرست‌نویسی: فیا | موضوع:
سینما - مستند - ایران - تاریخ و نقد | شناسه‌ی افزوده: طاهری،
سعیده کریمی، بابک، | شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۷۹۰۹۶ | رده‌بندی
دبیس: ۷۹۱/۴۳۰۱۵ | رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۴۶الف/۱۹۹۵ PN



کلوزآپ ۹

دبیران: سعیده طاهری و بابک کریمی
از فیلم مستند تا نقد مستند

تجربه‌ورزی در نقد سینمای مستند ایران
نویسنده: علیرضا ارواحی

ویراستار: گروه فیلم‌ها و احساس‌ها

مدیر هنری و طراح جلد: سارا بیژنی

عکس روی جلد: «خانه سیاه است» فروغ فرخزاد

ناظر فنی چاپ: حسین کاظمیان

چاپ اول، زمستان ۹۷

تیراژ: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: پرنیس دانش

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۲۲-۶۰-۶

نشانی: خیابان مطهری، کوچه پروشانت، پلاک ۲۵، واحد ۶

تلفن: ۰۹۱۲۵۵۷۹۱۱۴۵-۸۸۱۴۲۰۴۹۹-۵۵۵۵۵۵۵۵

فهرست

مقدمه / ۷

دانشمن یا ندانشمن / ۱۱

سازمان برنامه ریزی و تدوین فیلمهای گسترانده / ۱۹

تأسیسات فنی و فنیستانت بک روش / ۲۳

قرابت تخت جمشید با اندیشه های واکتربنیامین شیرازی تاریخ / ۴۷

تاکت و ریاضت در چرخه های آن دو / ۵۳

پرسشهای تاریخی و میراثی / ۶۳

روستازادهی گرگانی و ماهور خفایا خط / ۷۳

مهرغ نده آسمان / ۸۱

منابع / ۸۴

مقدمه

مخاطب می‌تواند به هر دلیلی روی به نقد بیاورد و به دلیل عشق یا نفرت و یا هر هیجان و - سی قله به دست بگیرد و متنی بنویسد، حتی می‌تواند نقد نکند و کماکان به عنوان یک مخاطب شناخته شود. میان مخاطب و مخاطب منتقد تفاوتی وجود دارد: مخاطب در مواجهه با اثر معنایی را جست‌وجو می‌کند، اما مخاطب در جایگاه منتقد به غیر از جست‌وجوی معنا در پی تولید معنا نیز هست و این امر زمانی اتفاق می‌افتد که بتواند مانع تولید شده را توسط واژگان و تصاویر در اختیار دیگر مخاطبان بگذارد. اثر هنر را منتقد اثری بسته و محدود نیست و به یک معنا منتهی نمی‌شود. در نقد همواره امکان رسیدن به معانی مختلف وجود دارد. این معانی بار منفی یا مثبت ندارند و نمی‌توان نام برای آن‌ها مشخص کرد. منتقد برای نوشتن نقد می‌تواند از توصیف شروع کند و تحلیل و تفسیر برسد و به ارزش‌گذاری و قضاوت توجهی نکند و با جهت‌گیری برآورد و موضع خود معانی بیش‌تری را آشکار کند و در ساخت یک مؤلف، تأثیرش به یک طرح بینجامد. طرح پژوهشی منتقد یک طرح احتمالی است که در آن اهداف، ارزش‌ها، نقش مهمی ایفا می‌کنند. پیش‌برد این طرح نیازمند سازوکارهایی همچون روش‌شناسی، اصطلاح‌شناسی و مباحث نظری است که مخاطب با رعایت آن‌ها قدم در حیطه نقد می‌گذارد و در جهت سامان‌دهی و نظم مفهومی واژگان گام برمی‌دارد. هر چند عده‌ای با نگاه نظری مخالف‌اند و نظریه را لفافه‌ای برای پنهان کردن معنای داند، اما این افراد معمولاً یا در سامان‌دهی ذهنی و متن خویش

ناتوانند و یا ناخواسته روی به مفاهیمی می آورند که برآمده از یک نگاه نظری است.

میان «نظر» و «نقد» تفاوت هاست. مخاطب می تواند صاحب نظر باشد، ولی لزوماً این نظرات نقد نباشد؛ چراکه مبانی و معیارهایی در نقد وجود دارد که اعتباردهنده ی آن است؛ شناخت اثر به صورت تدقیقی و تعمیقی اولین قدم در راه نقد است. مرحله ی بعد یافتن و شناختن دستگاه و یا زیردستگاه های فکری متناسب با آن است، چراکه ارائه ی نظرات متفاوت و پراکنده و خارج از دستگاه فکری و نظری، نقد دانسته نمی شود و تنها در حیطه ی نظرورزی و نظرگویی باقی می ماند. لازمه ی به دست آوردن این دستگاه یا زیردستگاه های فکری شناخت آن هاست و پس از آن می توان انتساب روش روی آورد. به عبارتی، روش توسط اثر هنری فراخوانده می شود، گت و گویی میان اثر هنری و متن منتقد شکل می گیرد؛ متنی که به واژگان، مفاهیم و اصطلاحات توجه دارد، این امر باعث می شود که واژگان محدوددهی مفهومی مشخص داده به باشند و روشمندی معینی با توجه به این محدودده ترجیح داده شود و نوعی پرسش و پاسخ در مواجهه با اثر شکل بگیرد. پس از پیشبرد این موارد، امکان رجوع به ذایه ها و سطوح اثر هنری فراهم می شود و زمینه ای برای پیوند ایده (فکرت) و ذایه به دست می آید. در نهایت، انطباق فرم نقد با فرم اثر هنری اهمیت می یابد. در این راستا، می توان بیان های متفاوتی را تجربه کرد و حتی از صورت های متفاوتی این به شن نقد بهره گرفت. برای مثال نقد را می توان کوتاه یا بلند، ادبی یا غیرادبی نوشت و به شدت اثر هنری فرم متناسب با آن را جست وجو کرد.

این شیوه راهی پیش روی منتقد می گذارد تا بتواند اثر را به واژگان یا تصاویر ترجمه کند. تلاش برای ترجمه ی تصویر و یا واژه، خود نوعی گسست از ترجمه است. تلاش منتقد برای ترجمه، نوعی جست وجو میان واژه ها و تصاویر برای تولید معناست، معنایی که ممکن است به شکست نقد بینجامد... برای نجات نقد می بایست شکست را تجربه کرد.

متون پیش روی پیشنهادهایی برای تجربه‌ورزی در زمینه‌ی نقدند؛ نوشته‌هایی که سودای ترجمه‌ی اثر هنری را در سر می‌پرورانند. متن اول با عنوان «داشتن یا نداشتن» به تفاوت میان یادداشت و «Essay» و ویژگی‌های نقد اشاره می‌کند و در ادامه به متن شمیم بهار پیرامون خانه‌سیاه است می‌پردازد؛ در این متن به لحن و الگوی نوشتاری شمیم بهار پیرامون فیلم مذکور توجه می‌شود تا همین لحن و الگو پیاده شود. این شیوه بدین جهت انتخاب شد تا بر الگوبرداری متن شمیم بهار از جلسه‌ی بررسی فیلم خانه‌سیاه است تأکید بگذارد. مقاله‌ی «سیاست بر مستند باد جن سایه‌ی گستراند» به چند نوشتار پیرامون مستندی از ناصر تقوایی توجه می‌کند و سپس به تأثیر نبرد سیاسی این متن‌ها می‌پردازد. به‌طور کلی این دو متن به نوشتارهای موجود در زمینه‌ی نقد مستند می‌پردازند و بر کمبود نقد و متون بی‌توجه به معیارهای نقد اشاره می‌کنند. متون دیگر هر یک مستندی را بررسی می‌کنند؛ برای مثال «یک فیلم، گستان یک روش» به مستند سنگ، مادر خاموش فرشاد فدائیان نگاهی می‌اندازد و پیرامون روشمندی و یافتن دستگاه فکری در ادراک این فیلم و نظرات پدیدارشناسانی همچون کیس بی‌یر و سابیچک بحث می‌کند. در این راستا، تلاش دیگری در «قرابت تخت جمشید با اندیشه‌ی والتر بنیامین درباره‌ی تاریخ» انجام شده است و بر اهمیت نظرات بنیامین در شناخت این فیلم تأکید می‌گذارد. این متن با توجه به بخش‌های فیلم، در سه بخش تنظیم شده و در آن سعی شده ریتم تصویری فیلم به ریتم نوشتاری ترجمه شود. در متن بعدی، «ریتم و تاکت و چرخش میان آن دو»، به اهمیت اصطلاحات «به اهمیت اشاره می‌شود و سپس از این منظر مستند ریتم منوچهر طبیب مورد توجه قرار می‌گیرد. مقاله‌ی «پرسه‌زنی دوربین فیلم‌برداری در روزمرگی آینه‌ای تهران» در پی نشان و ایجاد فرمتی مناسب برای تهران، هنر مفهومی محمدرضا اصلانی است تا بتواند تکرار و چندصدایی تصاویر و صدا را منتقل کند. «روستازاده‌ی گرگانی و مأمور حفاظت خط» درباره‌ی اول شب که بارون اومد کامران شیردل تا جایی پیش می‌رود که یک داستان بستری برای نقد می‌شود، بدین دلیل یکی از داستان‌های پیراندلو انتخاب می‌شود که به تأثیر نوشتارهای این نویسنده بر این فیلم اشاره کند

و فرمت داستان را به عنوان فرمتی برای نقد پیشنهاد دهد. شرح حال خسرو سینایی و متن «مرغ نه-آدم نه» تلاش پایانی این کتاب برای ترجمه‌ی تصویر است، تلاشی برای امکان نقد در کوتاه‌شدن و ادبی شدن.

در پایان از همراهی فرنام مرادی‌نژاد برای «ریتم و تاکت و چرخش میان آن در» و مسعود ایمانی برای «قربان تخت جمشید...» سپاس گزارم، چراکه این دو متن به همت و همکاری این دو دوست به نتیجه رسید. همچنین از سعیده طاهری، بابک نریمی، محمدرضا شیخی و نگار رحمانپور برای ویراستاری این کتاب و راهنمای هاشار سیار ممنونم. همین‌طور قدردان مادرم هستم که همیشه اولین خواننده‌ی رشته‌ییم بود، هرچند دیگر مجالی برای خواندن کتاب از فیلم مستند تا نقد مستند نداشت... این کتاب به پدرم تقدیم می‌شود که همواره حضورش دلیلی برای نوشتن است.